یادداشت

## مرگ آرمان‌ها با رواج فساد

محمد آقازاده

• بگذارید بحث فساد را از منظر متفاوتی پی بگیرم؛ منظری که کمتر در مورد آن حرف می‌زنند. فرض کنید من آدم ساده‌زیستی هستم، بزرگ‌شده کوچه‌پس‌کوچه‌های فقر، بعد از ۴۰ سال کار یعنی از دوران نوجوانی، بعد به دوران بازنشستگی رسیده‌ام و امروز با چندرغاز حقوقی که می‌گرفتم، با همه گرانی‌ها احساس رضایت می‌کردم. همسرم هم که میهماندار هواپیماست به بازنشستگی رسیده و ما آپارتمان قدیمی‌ای هم از خود داریم. همین به ما احساس آرامش می‌داد، ولی مدت‌هاست دیگر این احساس را ندارم. وقتی اخبار اختلاس سه هزار تا بالای ۹۰ هزار میلیارد تومانی را شنیدم، با وجود اینکه مطالعات اقتصادی دارم، حتی با تخیل هم نمی‌توانستم تصوری از چگونگی هزینه‌کردن این رقم‌های به‌غارت‌رفته، داشته باشم، ولی غارتگران شروع به نمایش تجمل، ساختن خانه‌های اشرافی چند صد میلیارد تومانی، یکه‌تازی با پورشه‌ها، مازراتی، بی‌ام‌وی و... و سفرهای افسانه‌ای به همه‌جای دنیا کردند. احساس نارضایتی شدیدی در خود یافتم، میزان دستمزدی که می‌گرفتم، مثل خوره روحم را می‌جود، دیگر از زندگی راضی نبودم خب، من در اطرافم بازنشسته کم نمی‌شناسم، آنها همگی از میزان مستمری و دستمزدشان احساس سرخوردگی پیدا کرده‌اند، به همگی در محافل می‌گویند مثل ما ۳۰ سال با صداقت کار نکنید تا آخرش حقوق بخورونمیر بگیرید، ببینید هر روز گرانی، دستمزدمان را می‌بلعد، یک ماه حقوق ما خرج یک شب اقامت پول‌دارها در یک هتل هفت‌ستاره نمی‌شود. می‌دانید دلتنگی و گلایه‌ها چه چیزی معنا می‌دهد؛ نسل جدید یاد می‌گیرد دیگر تخیل نکند معلم باشرافت، روزنامه‌نگار حرفه‌ای، میهماندار هواپیمایی سخت‌کوش، استاد باسواد و... شود، بلکه همه به‌دنبال پول باشند و اگر پزشک هستند زیرمیزی بگیرند، اگر روزنامه‌نگارند، خبرفروشی کنند و... . بسیاری در برابر این تمایل هنوز مقاومت و به پاکدستی‌شان افتخار می‌کنند، ولی با گسترش اخبار فساد و افزایش شکاف طبقاتی، روزبه‌روز این مقاومت اگر غیرممکن نباشد، حتما سخت و دشوار خواهد شد، روزی می‌رسد که تعهد و کاربلدی، بیشتر باعث شرمندگی شود تا دلیل افتخار، شاید بپندارید این نوشته سوار بر اسب سرکش اغراق شده است، ولی کمی به اطراف‌مان دقیق‌تر بنگریم تا بفهمیم سودای پول بیشتر همه جان‌ها را می‌بلعد و کاسبی بدون زدوبند و سودآوری به هر قیمتی، دیگر کار غیرشرافتمندانه تلقی نمی‌شود. بیایید به اصل ماجرا بپردازیم، فساد باعث تباهی پول‌هایی است که به یغما می‌رود. سیستم اداری را از کار می‌اندازد، کارگر و کارمندی که زیر خط فقر دستمزد می‌گیرند و تا دیروز به‌خاطر وجدانش خوب کار می‌کردند، در عمل بی‌انگیزه می‌شوند و باانگیزه و درست کار نمی‌کنند و در عمل، سازمان‌های ما با همه برنامه‌ریزی‌ها و تدوین آیین‌نامه هر روز گران‌تر اداره می‌شوند و دیگر امیدی هم به خصوصی‌سازی نیست، چون در قدیم می‌گفتیم خصوصی‌سازی منجر به چابکی و کارآمدی می‌شود، لااقل تجارب سال‌های اخیر این تصور را از بین برد. بی‌تعارف بگویم اگر نتوانیم با سونامی فساد مبارزه کنیم و اموال به‌غارت‌رفته را برگردانیم، با هیچ ترفندی نخواهیم توانست وجدان حرفه را در افراد زنده کنیم و درعمل منابع تلف و روزبه‌روز خدماتی که به مردم می‌دهیم، ضعیف و ضعیف‌تر می‌شود. بخشی از گرانی موجود معلول اخبار فساد است. اگر دیگران این همه ساده پول‌دار می‌شوند چرا ما گران‌فروشی نکنیم. آخرین جمله آن است در دهه ۶۰ وقتی جبهه‌ها نیاز به رزمنده داشت، خیلی آسان مردم بسیج می‌شدند. اگر روزی باز نیاز به بسیج باشد، آیا مردمی که به‌خاطر اخبار غارت، بدبین و دلخورند حاضر می‌شوند به‌خاطر آرمان‌های مشترک، از هست و نیست خود بگذرند. برای پرهیز از این مشکلات باید با فساد ساختاری مبارزه کرد و نشان داد غارتگران نمی‌توانند با خیال آسوده بدزدند و بعد مانور تجمل دهند.

گذر

## ۷۵ میلیون ایرانی در ۵۳ ماه چقدر یارانه گرفتند؟

• **تسنیم:** مجموع یارانه نقدی پرداختی به مردم در بیش از چهار سال گذشته به مرز ۱۸۰ هزار میلیارد تومان رسید که معادل کل بودجه عمرانی دولت از سال ۸۵ تا ۹۳ است.

دولت دهم با پشتوانه مصوبه مجلس از آذرماه سال ۸۹ اجرای قانون هدفمندسازی یارانه‌ها را با هدف کنترل مصرف حامل‌های انرژی و توزیع بهینه یارانه‌ها آغاز کرد که از همان ابتدا پرداخت نقدی ۴۵هزارو ۵۰۰ تومانی یارانه به میزان برابر به تمام جمعیت ۷۵ میلیون نفری، با انتقادهایی همراه بوده که این انتقادها در دولت یازدهم به اوج خود رسید.

# برای پرکردن سیلوها از بانک‌ها کمک گرفتند

ادامه از صفحه ۵

**شما به‌نوعی نظام بانکی را مقصر تمام وضعیت نابسامان بخش تولید می‌دانید؟**

عوامل مختلفی دست به دست هم داد که تولید کشور به این وضع بیفتد. یکی از آن عوامل، اقدامات نظام بانکی است. بعد از انقلاب، کارخانه‌ها به دست کسانی سپرده شدند که اگرچه صادق بودند، اما تجربه چنین کاری را نداشتند. درواقع به این دلیل که مدیریت تخصصی بر کارخانه‌ها اعمال نشد، یک ضربه از این ناحیه خوردیم. از زمان جنگ هم که به عناوین مختلف ما را تحت تحریم قرار دادند. در حقیقت باید گفت تولید در کشور ما نتوانست نفس راحتی بکشد. زمانی هم می‌توانیم از تولید دم بزنیم که تولید انبوه و در مقیاس جهانی داشته باشیم، نه‌فقط تولید برای تأمین نیازهای داخلی. اگر بتوانیم سهمی از تجارت جهانی را به‌دست آوریم و صادرات داشته باشیم، آن‌وقت می‌توانیم بگوییم تولید داریم. تولید ما قابل قیاس با کشورهای هم‌جوار هم نیست و به‌همین‌دلیل دولت برای اینکه از تولید حمایت کند، تعرفه واردات را بالا می‌برد. دراین‌میان بهره‌های بانکی برای بخش تولید هم بیش از ۲۷ درصد است که با احتساب جرائم آن، به بیش از ۳۳ درصد می‌رسد.

**اشاره داشتید به اینکه بانک‌ها در گذشته از طریق شرکت‌های زیرمجموعه خود به واردات اقدام می‌کردند. هم‌اینک عملکرد بانک‌ها از این حیث چطور است؟**

البته الان در دولت یازدهم خیلی چیزها تغییر کرده است. عزم دولت برای خروج بانک‌ها از بنگاه‌داری جدی است. شیب بسیار تندی هم برای حذف بنگاه‌داری بانک‌ها در پیش گرفته شده است. تجربه نابسامانی‌های گذشته جلوی چشمان مردان اقتصادی دولت است و می‌دانند برای بازگشت رونق به تولید و تجارت شناسنامه‌دار و برای بازسازی زیرساخت‌های اقتصاد، راهی جز این ندارند. ضمن اینکه به‌دنبال اشتغال‌زایی از طریق سیستم دولتی هم نیستند و بیشتر به توسعه بازار از طریق بخش خصوصی امید دارند.

**مگر در دولت قبل واردات نظام بانکی تا چه اندازه بود؟**

من نمی‌خواهم دولت‌ها را زیر سؤال ببرم، چون هر دولتی که بر سر کار می‌آید، معضلات خاص خود را دارد. به‌هرحال در دولت‌های قبل، مقابله خاصی با بنگاه‌داری بانک‌ها نشد. ضمن اینکه مباحثی مانند اشتغال‌زایی نیز از منظر بانکداری دیده شده بود. در دولت یازدهم، قوانین و دستورالعمل‌هایی تدوین شده که جلوی چنین وارداتی گرفته شده است. ضمن اینکه در لایحه حمایت از تولید، بانک‌های دولتی موظف شدند ۳۳ درصد از اموال خود را بفروشند و به افزایش سرمایه اختصاص دهند که این امر، نشان می‌دهد آنها بخش زیادی از سرمایه‌های خود را به این سمت برده بودند. ضمن اینکه بانک‌ها، به‌ویژه خصوصی‌ها، برای اینکه نشان دهند ارزش سهام آنها بالا رفته، شرکت‌های زیرمجموعه تأسیس کردند؛ اما در کنار همه این مسائل، بانک‌ها بوی پول را خوب می‌فهمند و ارزش آن را به‌خوبی درک می‌کنند؛ به‌همین‌دلیل است که این پول‌ها را در بخش‌های تجاری بردند؛ اما از این مسئله غافل بودند که بخش‌های تجاری هم با همین رکودی که هم‌اینک با آن دست‌وپنجه نرم می‌کنیم، مواجه خواهند شد.

**یعنی بانک‌ها این بار رودست خوردند؟**

بحث رودست‌خوردن نیست. این کار، نتیجه عملکرد خود آنهاست. متأسفانه اقتصاد ما یک اقتصاد بانک‌زده است. سودآوری در این اقتصاد، تحت سیطره نظام بانکی صورت می‌گیرد. در دوره‌های قبل هم شاهد بودیم که یکی از دلایل گرانی مسکن، شبکه بانکی است. آنها سود خود را برداشت خواهند کرد. ممکن است دیر و زود داشته باشد، اما سوخت و سوز ندارد.

**شما اطلاع دارید مدیران بانک‌ها، شرکت‌های زیرمجموعه خودشان را به چه کسانی می‌سپارند؟**

هیأت‌مدیره بانک‌ها، که در رأس امور هستند، مدیران آن شرکت‌ها را منصوب می‌کنند.

**این‌طور عنوان می‌شود که بانک‌ها بخش زیادی از منابع مالی خود را به زیرمجموعه‌های خود پرداخت می‌کنند. شنیده شده است بانک‌ها شرکت‌های زیرمجموعه خود را به دست افرادی می‌سپارند که با آنها رابطه نسبی و سببی دارند؟**

اگر چنین کاری انجام شده باشد باید با تأسف گفت فاجعه خیلی نزدیک است. مدیریت‌های انتصابی غیرمتخصص در شرایطی که بانک‌ها به‌عنوان مهم‌ترین رکن اقتصاد بانک‌محور ایران، نقشی اساسی در اجرای سیاست‌های پولی و مالی برعهده دارند، می‌تواند عواقب غیرقابل‌جبرانی برای اقتصاد کشور در پی داشته باشد.

**شما شنیده‌اید که کدام بانک‌ها دست به چنین اقدامی زدند؟**

بالاخره در چنین جامعه‌ای، هر چیزی ممکن است اتفاق بیفتد؛ البته دولت یازدهم و مجلس برای این‌قبیل کارها، محدودیت‌هایی وضع کردند؛ ضمن اینکه بازار همراه با رکود، درس خوبی به بانک‌ها داد. بدترین حالت زمانی بود که بانک‌ها وارد بازار سکه، طلا و ساختمان‌های تجاری شدند و مسئولان متوجه نبودند این بانک‌ها دقیقا چه می‌کنند.

**چه‌کسی متوجه نبود؟**

دولت قبل، چون خیلی معضلات داشت. دولت قبل نقدینگی بالایی از درآمدهای نفتی به‌دست آورد که نمی‌دانست چگونه آن را مدیریت کند؛ اما پس از آن با یک تحریم بزرگ و ناشایست مواجه شد که آمادگی مواجهه با آن را نداشت. دولت قبل چنان ضربه‌ای خورد که نمی‌دانست باید چه کند؛ همانند بچه‌ای که پدر پولدار خود را از دست می‌دهد و آن‌قدر گیج است که نمی‌داند بعد از آن باید چه کند؛ بنابراین اداره برخی امور به‌صورت جزیره‌ای واگذار شد.

**بانک‌ها در گذشته چه کالاهایی را وارد می‌کردند؟**

بگویید در چه کالاهایی وارد نشدند. چون شرکت‌های آنها در اغلب فعالیت‌های اقتصادی سودآور وارد شدند.

**پروسه و روند واردات کالاها برای بانک‌ها چطور انجام می‌گیرد؟**

طبق قانون اساسی ما، انحصار نباید وجود داشته باشد؛ یعنی با یک کارت بازرگانی می‌توانید واردات انجام دهید. بانک‌ها هم به عناوین مختلف وارد این قضیه شدند و برای اینکه به سهام‌داران خود نشان بدهند چقدر سود کردند، دست به هر کاری زدند تا مشتری جلب کنند و سهام خود را به لحاظ ارزشی بالا ببرند. درحالی‌که بانک باید نقدینگی مردم را جذب کند و در بخش‌های تولیدی، تجاری و عمرانی به‌کار ببندند؛ ولی بانک‌ها به جای ورود به این کارها، به خرید و فروش کالاهای اساسی و شمش طلا و ساختمان‌سازی روی آوردند.

**در دوره‌ای اخباری درباره واردات آهن، برنج، خودرو و حتی حیوان از سوی نظام بانکی منتشر شد.**

بله. در دوره‌های مختلف، کالاهای اساسی مختلفی وارد شد؛ مثل گندم، سویا، شکر، روغن، برنج، گوشت قرمز، کره و شمش آهن. حیوانات زنده هم بعضا ممکن است وارد کرده باشند.

**بانک‌ها چطور تشخیص می‌دهند برای کسب سود، سراغ کدام بازار بروند؟ در مقطعی، به‌یکباره به بازار سکه و ارز حمله‌ور می‌شوند و در مقطعی، سراغ بازار آهن رفتند.**

بانک‌ها تا احساس می‌کنند در بازار کمبودی وجود دارد، سراغ همان کمبود می‌دَوند؛ مثلا همین شمش آهن؛ کمبود بازار سبب شد آن را وارد کنند و به کارخانجات دهند. بانک‌ها وضع اقتصادی کشور را می‌بینند؛ در واقع بانک‌ها سِنسورهای خوبی دارند و به محض اینکه فهمیدند در کجا کمبود هست، فورا حمله‌ور می‌شوند؛ اما این‌قدر این حمله زیاد می‌شود که بعضی وقت‌ها خودشان هم دچار ضرر و زیان می‌شوند؛ مثلا همین برنج را آن‌قدر وارد می‌کنند که آخر مجبور می‌شوند زیر قیمت و پایین‌تر بفروشند. به‌یاد دارم زمانی کاغذ وارد کردند و این‌قدر زیاد وارد کردند که مجبور شدند برای اینکه پول‌شان نخوابد، کاغذها را زیر قیمت جهانی در بازار عرضه کنند. تُجاری هم که در این بازار بودند، آرام‌آرام خودشان را کنار کشیدند؛ یعنی علاوه‌بر اینکه به خودشان ضرر زدند، به تجار هم ضرر زدند. ضمن اینکه توجه داشته باشید تجار اصلی که به واردات این کالا مبادرت می‌کردند، هم اشراف بر قیمت دارند و هم کیفیت کالاها را بهتر تشخیص می‌دهند؛ اما بانک‌ها در خرید کالا تخصص لازم را ندارند؛ البته فکر می‌کنم الان دیگر کسی دست به واردات کالاهای اساسی نزند؛ چون اولا بازار همراه با رکود است؛ ثانیا واردات آن، سودآوری چندانی ندارد. اگر پولی داشته باشند که در اختیار تولیدکننده و واردکننده قرار بدهند، با بهره‌های ۳۰ درصدی که می‌گیرند، حتما کارنامه خوبی را می‌توانند به سهام‌داران خود ارائه کنند؛ چراکه هیچ کاری در ایران، سود ۳۰ درصدی ندارد، البته همین‌جا باید از خدای متعال برای کارخانجات و واردکنندگان طلب یاری و کمک کنم تا این سود را تأمین کنند و به بانک‌ها بدهند.

**پس بانک‌ها به‌نوعی در ورشکستگی تاجران تأثیر داشتند.**

بدون‌شک ورود بانک‌ها سبب تضعیف تُجار واقعی و شناسنامه‌دار شده است. این در حالی است که رابطه بانک با تولیدکننده و تاجر باید یک رابطه برد-برد باشد؛ برای مثال در بحث واردات کاغذ، که ضربات و زیان‌های سنگینی به تاجران وارد کردند یا سه سال پیش گوشت قرمز در کشور کم بود و همین موجب شد هرکس با یک چمدان از برزیل گوشت وارد کند. آن‌قدر هم قیمت گوشت‌های قرمزی را که وارد کرده بودند، بالا بردند که صدای آن کشور درآمد. پیشنهاد می‌کنم سازمان توسعه تجارت با تدوین قانون یا دستورالعمل، واردات را تخصصی کند تا بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری وارد چنین فعالیت‌هایی نشوند.

**مؤسسات پولی فاقد مجوز هم در واردات کالا وارد شدند؟**

آنها که غوغا کردند. مدیرانی که در رأس یک مجموعه پولی و مالی، ازجمله بانک یا مؤسسه پولی هستند، بوی پول را خوب می‌فهمند؛ مثل تولیدکننده‌ها نیستند که فقط سرشان به همان تولید بند باشد. آنها سِنسورهای خوبی برای رصد پول دارند، پول را خوب می‌شناسند. هوشمندی بانک‌ها در گردش مالی است؛ بنابراین هر جایی را که حس کنند برای آنها منفعت دارد، پول را به همان‌جا هدایت می‌کنند؛ اما در این دو سال به دو علت نتوانستند واردات انجام بدهند: اول به علت وجود رکود در کشور، چون اساسا خریداری وجود ندارد و واردات، منفعتی در پی نداشت؛ دوم اینکه خود دولت از همان ابتدا برای این مسئله برنامه داشت و می‌دانست که یکی از نقاط‌ضعف همین بانک‌ها هستند؛ بنابراین متمرکز شد و تا جایی که توانست جلوی آنها را گرفت.

**مدیرانی که در رأس یک مجموعه پولی و مالی، ازجمله بانک یا مؤسسه پولی هستند، بوی پول را خوب می‌فهمند؛ مثل تولیدکننده‌ها نیستند که فقط سرشان به همان تولید بند باشد. آنها سِنسورهای خوبی برای رصد پول دارند، پول را خوب می‌شناسند. هوشمندی بانک‌ها در گردش مالی است؛ بنابراین هر جایی را که حس کنند برای آنها منفعت دارد، پول را به همان‌جا هدایت می‌کنند**

**آیا بانک‌ها متوجه تغییر شرایط نشده‌اند؟**

بانک‌ها به‌خوبی متوجه شدند که در بازار همراه با رکود فعلی، بهترین کار این است که به مردم با نرخ ۲۷ درصد پول بدهند و بعد ۳۳ درصد با جریمه پس بگیرند و چه «بیزینسی» بهتر از این می‌تواند باشد.

**درباره معوقات بخش تولید به نظام بانکی چه نظری دارید؟ بانک‌ها معتقدند بخش بسیاری از معوقات به حوزه تولید بازمی‌گردد. شما چه ارزیابی‌ای از این موضوع دارید؟**

به نظر من کمترین معوقات در بخش تولید بوده است. زمانی که آمریکا با رکود مواجه شد، دولت به کارخانجات کمک بلاعوض کرد تا این کارخانه‌ها احیا شوند؛ اما آیا ما چنین کاری کردیم؟ کارخانجات را به امان خدا رها کردیم و می‌گوییم اینها معوقات دارند. این معوقات این‌طور شکل گرفت که یک‌دفعه دلار هزار تومانی، سه هزار تومان شد؛ یعنی قیمت‌ها سه‌برابر شده است. درخواست خرید مردم هم پایین آمد و بازار هم به سمت رکود رفت. انبارها پر از جنس بود؛ اما نمی‌توانستند بفروشند، کسی هم به دادِ این کارخانجات نرسید. حالا در چنین شرایطی، نظام بانکی هم دنبال معوقات خود است.

**برآوردی دارید که نظام بانکی چقدر به بخش تولید آسیب زده است؟ رئیس انجمن برنج‌کاران در نامه‌ای به یکی از نمایندگان مجلس در انتقاد به واردات برنج توسط نظام بانکی، به‌نوعی از نظام بانکی انتقاد کرده بود.**

واقعیت این است که همه مشکلات را نباید متوجه نظام بانکی کرد و ریشه نابسامانی‌ها را در شبکه بانکی دید. بیشتر رکود همراه با تورم بود که تولید را با مشکل مواجه کرد. اگر رونق به جامعه برگردد، مشکل برطرف خواهد شد.

**من این مسئله را هنوز به‌خوبی متوجه نشدم که چطور سنسور بانک‌ها برای واردات یک محصول خاص، آن هم به بهانه کسب سود، فعال می‌شود؟**

اطلاعات سازمان توسعه تجارت و گمرک، کاملا شفاف است. با بررسی ساختارمند اینکه چه «ال‌سی»هایی گشایش یافته و چه کالاهایی با چه تعرفه‌ای وارد می‌شود، می‌توان برآوردهای نزدیک به واقع از شرایط داشت؛ البته باز هم بگویم فکر نمی‌کنم در این دولت بانک‌ها توانسته باشند کار خاصی کنند.

**آیا بانک‌ها از رانت اطلاعاتی خاصی برخوردارند؟**

بستگی دارد شما چه درک و تعریفی از رانت داشته باشید. ممکن است در جایی و جلسه‌ای یکی از مسئولان با یک مسئول بانک حضور داشته باشند و به ایشان بگویند اگر در این رشته کار کنید و آن را وارد کنید، خیلی خوب است؛ اما آنها بیشتر بوی پول را از بازار تشنه حس می‌کنند. ضمن اینکه بانک‌ها گروه مطالعاتی و متخصص برای چنین کاری دارند و به آنها اعلام می‌کنند وضعیت به کجا سوق پیدا می‌کند و بهتر است پول‌ها را به کدام کانال‌ها هدایت کنید؛ اما بعضی وقت‌ها هم پیش می‌آید همین گروه‌های مطالعاتی، بانک‌ها را خیلی بد هدایت می‌کنند؛ مثل همین ساختمان تجاری‌هایی که حالا ساختند و در آن ماندند. در واقع بانک‌ها همیشه موفق نبودند؛ اما به علت اینکه متخصصان قوی‌تری را به خدمت گرفتند، از مردم عادی موفق‌ترند.

**ممکن است این رانت اطلاعاتی را از مقامات کشور به‌دست بیاورند؟**

مقامات کشور این‌قدر خام نیستند، بعد هم در بازار رکودی دیگر رانتی وجود ندارد.

**در دوره قبل که وجود داشته است؟**

بله، به علت حجم نقدینگی بالایی که وجود داشته، این مسائل بوده است. زمانی متوجه می‌شدند که کنجد، سویا و گندم کم است.

**یعنی به بانک‌ها می‌گفتند در کجا کمبود وجود دارد؟**

بله، مسئولان مربوطه از روی نیاز به بانک‌ها می‌گفتند که سیلوها خالی شده و هرکس می‌تواند برود برای ما این قبیل اجناس را وارد کند.

**چقدر واردات برای بانک‌ها سودآور است؟**

به همان اندازه که برای تجار سودآور است. بستگی به نوع کالاها هم دارد؛ مثلا سود کالاهای «آی‌تی» خیلی بالا نیست و به‌غیراز هزینه‌های خودشان بیشتر از پنج الی شش درصد سود ندارند؛ اما بانک‌ها در کالاهای حجیم مثل کالاهای اساسی سود خوبی عایدشان شده است. چون هم پول دارند و هزینه‌های کمتری دارند و هم هوشمندتر از تجار ما هستند. سودشان هم حداقل پنج درصد بیشتر از تجار ما بوده است.

**بانک‌ها آن جنس‌هایی را که وارد می‌کردند، احتکار هم می‌کردند؟**

نشنیدم چنین کاری را کنند. چون پول برای بانک‌ها خیلی مهم است و سریعا جنس‌های‌شان را می‌فروشند.

**سرعت واردات بانک‌ها نسبت به تولیدکننده‌ها خیلی بالاتر است؟**

بانک‌ها به علت اینکه نقدینگی در دست دارند، از تاجران و تولیدکنندگان، از لحاظ زمانی ۳۰ درصد جلوترند.

**شکایتی از نظام بانکی دراین‌باره نشده است؟**

وقتی قرارداد ترکمانچای را بانک‌ها جلوی تولیدکننده یا تاجر رسمی می‌گذارند، قراردادهایی که از لحاظ حقوقی بسیار دقیق و محکم تنظیم شده است، چاره‌ای ندارید، چون برای به‌دست‌آوردن آن سرمایه در گردش مستأصل هستید.

ادامه از صفحه ۵

## استراتژی اقتصاد ایران در دوران پساتحریم

اگر هدفمان این است که صادرات محصولات غیرنفتی را افزایش دهیم، باید به کالاهایی غیراز محصولات پتروشیمی و مواد معدنی فکر کنیم. چیزی که امروز باید به‌دنبال آن باشیم، سرمایه‌گذاری در زمینه‌های مختلف تولیدی و پیدا کردن بازارهای جدید بین‌المللی است. این امر به‌جز با تسهیل در امر سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی، کاهش نرخ سود تسهیلات و حمایت از تولیدکنندگان، میسر نمی‌شود. صادرات غیرنفتی، ضمن ایجاد ارزش افزوده بالا، وضعیت اشتغال در جامعه جوان ایران را بهبود بخشیده و سبب کسب درآمدهای ارزی برای تأمین نیازهای وارداتی در کشور می‌شود و همچنین ضریب تأثیرپذیری کشور، از تحولات سیاسی و اقتصادی جهانی که به‌واسطه تکیه بر اقتصاد نفتی به‌وجود می‌آید را کاهش می‌دهد؛ به‌ویژه اینکه در تحولات نوین اقتصاد جهانی که به سمت حذف کلیه موانع غیرتعرفه‌ای و کاهش تعرفه‌ها حرکت می‌کند، به منظور افزایش سهم کشور در اقتصاد جهانی و دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی پایدار، جهش صادراتی امری الزامی بوده و عزم جدی را می‌طلبد. قطع یقین، بهترین راه برای توسعه صادرات غیرنفتی، بازکردن مسیر و راه برای ورود بیش‌ازپیش بخش خصوصی به عرصه اقتصاد کشور است. بخش خصوصی برای حضور در بازار، انگیزه‌های بسیاری دارد و شدت ریسک و رقابت را بیشتر درک می‌کند. برخلاف دولت‌ها که به منافع ملی و عواید حاصل از مالیات دسترسی دارند، بخش خصوصی حیات خویش را در گرو رقابت با سایرین می‌بیند؛ بنابراین در انتخاب‌های خویش دقت بیشتری به‌عمل می‌آورد و شانس خود را برای موفقیت، بیشتر می‌کند. ایجاد بخش خصوصی توانمند، ضامن حضور موفق در بازارهای جهانی است.

از سوی دیگر، به نظر می‌رسد دیر یا زود، پیوستن کشورمان به سازمان تجارت جهانی، اجتناب‌ناپذیر است. در این صورت، شرکت‌های خارجی به‌سهولت می‌توانند وارد بازارهای ایران شوند و محصولات خود را با قیمت ارزان و کیفیت خوب و تنوع زیاد عرضه کنند. از سوی دیگر، باید بررسی کرد که آیا بروز چنین پدیده‌ای برای شرکت‌های ایرانی می‌تواند یک تهدید جدی باشد یا خیر، به طوری که اگر نتوانند رقابت کنند؛ محکوم به شکست خواهند بود. از طرف دیگر، شرکت‌های ایرانی می‌توانند از این شرایط سود ببرند و فرصتی پیدا کرده تا به بازارهای بین‌المللی راه پیدا کنند. درمجموع، رشد صادرات غیرنفتی را از سه زاویه می‌توان بررسی کرد؛ در مرحله اول از بین‌بردن موانع صادرات، تشویق صادرکنندگان و دادن خدمت و تسهیلات مناسب به تولیدکنندگان باید مدنظر قرار گیرد. از سوی دیگر، موقعیت تجاری کشور در سطح جهانی، باید مورد بررسی قرار گیرد و تغییر و تحولات بین‌المللی با نگرش جهانی، دنبال شود. همچنین برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و تجاری داخلی، هماهنگ با شرایط تجارت جهانی سازماندهی و به‌اجرا دربیاید. در بعد سوم صادرات غیرنفتی را باید به عنوان بخشی متأثر از سایر متغیرهای کلان اقتصادی، مدنظر قرار داد. با توجه به حضور دوباره شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران خارجی در پروژه‌های مختلف کشور، می‌توان امیدوار بود با انجام برنامه‌ریزی‌های دقیق، بار دیگر رونق ازدست‌رفته در دوران پساتحریم به اقتصاد ایران بازگردد و چالش‌های مربوط به تولید و صادرات منابع سرشار نفت و گاز کشور را تا حد ملموسی کاهش داد. در شرایط فعلی باید برای پس از تحریم، برنامه مدون صادرات غیرنفتی تهیه کنیم به‌گونه‌ای که بتوان پس از تحریم به جای اینکه بازار داخلی را در اختیار شرکت‌های بزرگ خارجی قرار داده و ایران را بهشت واردات تبدیل کنیم؛ برنامه‌ای برای صادرات داشته و جایگاه خود را در بازارهای بین‌المللی و منطقه‌ای ارتقا دهیم و نگذاریم بازارهای داخلی فقط در اختیار واردات کالاهای ساخته‌شده قرار گیرد.

شرکت ملی نفت ایران

فراخوان ارزیابی شناسایی (یک مرحله‌ای)

مناقصه عمومی نگهداری فضای سبز ساختمان‌های ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ به شماره ۱۲-۹۴

شرکت ملی نفت ایران در نظر دارد نگهداری فضای سبز ساختمان های ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ را طبق شرایط و مدارک مربوطه از طریق برگزاری مناقصه عمومی به صورت یک مرحله ای به شرکتهای ذیصلاح و واجد شرایط واگذار نماید. از متقاضیانی که دارای شرایط ذیل می باشند درخواست می گردد از زمان چاپ آگهی نوبت اول تا حداکثر ۱۰ روز پس از درج دومین آگهی (نوبت دوم) ضمن به همراه داشتن درخواست کتبی شرکت در مناقصه و معرفی نامه نماینده شرکت جهت دریافت اسناد ارزیابی تکمیل و عودت آن در مهلت تعیین شده در اسناد به امور قراردادها و برآورد مقادیر معاونت امور پشتیبانی- مدیریت توسعه منابع انسانی به نشانی: تهران، خیابان حافظ، نبش خیابان رودسر، شرکت ملی نفت ایران، ساختمان مرکزی جدید، طبقه ۱۲ اتاق ۱۲۰۳ مراجعه و در صورت نیاز با شماره تلفن های ۶۱۶۳۵۰۴۱ و ۶۱۶۲۲۵۳۱ تماس حاصل نمایند.

الف: شرایط مناقصه گران

* داشتن شخصیت حقوقی مستقل
* داشتن تجهیزات و امکانات و تخصص لازم و توانایی انجام کار مطابق استانداردهای رایج در صنعت نفت
* داشتن توانایی مالی و فنی کافی جهت اجرای موضوع پیمان
* داشتن توانایی ارائه ضمانت نامه بانکی برای شرکت در مناقصه به مبلغ ۲۸۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال
* داشتن گواهی تایید صلاحیت معتبر زمانی از مراجع ذیصلاح مرتبط با موضوع مناقصه (وزارت کار و امور اجتماعی)
* داشتن شناسه ملی و شماره اقتصادی
* انطباق موضوع مناقصه با موضوع فعالیت شرکت مندرج دراساسنامه
* ارائه آگهی تاسیس و آگهی آخرین تغییرات

ب: شرایط و مشخصات کار و شرکت در مناقصه:

شرح مختصر موضوع مناقصه: نگهداری فضای سبز ساختمان های ۲۵ و ۲۶ و ۲۷

برآورد اولیه اجرای کار: ۱۳/۸۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال

مدت اجرای کار: دو سال شمسی

محل اجرای کار: تهران

زمان دریافت پاکات پیشنهاد قیمت: روز دوشنبه مورخ ۹۴/۰۴/۲۹ تهران، خیابان حافظ، نبش خیابان رودسر، شرکت ملی نفت ایران، ساختمان مرکزی جدید، طبقه ۱۲ اتاق ۱۲۰۱.

زمان و محل بازگشایی پاکات: روز سه شنبه مورخ ۹۴/۰۵/۰۶ تهران، خیابان حافظ، نبش خیابان رودسر، شرکت ملی نفت ایران، ساختمان مرکزی جدید، طبقه ۲ سالن جلسات.

(لازم به ذکر است زمان دقیق جلسه بازگشایی و دریافت پاکات پیشنهاد قیمت کتبا به مناقصه گران اطلاع داده خواهد شد.)

ج: مدارک مورد نیاز

ارائه صورتهای مالی حسابرسی شده منتهی به سال ۱۳۹۲

ارائه گواهی تایید صلاحیت فعالیت در محل اجرای پیمان و رتبه بندی شرکت ها براساس دستورالعمل شماره ۱۴۹۷۱ مورخ ۸۸/۲/۱۹ وزارت کار و امور اجتماعی

سایر اسناد و مدارک درخواستی در اسناد ارزیابی درج گردیده است.

پس از بررسی مدارک دریافتی از مناقصه گران و انجام ارزیابی اسناد و مدارک مناقصه بین شرکت های واجد شرایط توزیع خواهد شد. بدیهی است در صورت عدم انطباق موضوع فعالیت شرکت با موضوع مناقصه و همچنین عدم رضایت کارفرما از عملکرد مناقصه گزار مدارک شرکت مزبور مورد بررسی قرار نخواهد گرفت ضمنا ارائه مدارک و فرم های استعلام ارزیابی تکمیل شده هیچگونه حقی را جهت متقاضیان برای شرکت در مناقصه ایجاد نخواهد کرد.

شرکت ملی نفت ایران

مدیریت توسعه منابع انسانی- معاونت امور پشتیبانی- امور قراردادها و برآورد مقادیر